

# حق آزادی بیان و مسئولیت بین‌المللی کشورها در قبال آن

سیدحسین رضوانی<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سید حسین رضوانی، رئیس گروه مطالعات حقوقی و بین‌المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی  
hossein\_rezvani@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۰

## چکیده

احترام، حمایت و اجرای حق آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر از سوی کشورها، اگرچه از منظر برخی افراد ممکن است امری بدیهی به نظر برسد، اما تحقق آن به واقع مستلزم تأیید اصولی و توجیه مستدل و منطقی است. شناخت جایگاه والای آزادی بیان و مسئولیت ملی و بین‌المللی مربوط به صیانت از آن هم امکان تعرض و نقض خودسرانه را به حداقل رسانده و قانون‌گذار را از محدودساختن آن باز می‌دارد، هم اعمال هرگونه موازین حصری به این حق را امری استثنایی و تابع قیودات و توجیحات خاص می‌نماید. این شناخت در پرتوی آگاهی و عمل کشورها به تعهدات برخاسته از معاهدات بین‌المللی، حقوق عرفی بین‌المللی و قواعد آمره مرتبط با نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی-سیاسی)، به ویژه حق آزادی بیان حاصل می‌شود. این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از روش قیاس به تحلیل موضوع پردازد. بر این اساس، ابتدا مبانی تعهدات کشورها در ابزارهای منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر را تشریح می‌کند. سپس، به احصای محدودیت‌های مشروع و قانونی قابل اعمال بر حق آزادی بیان و بررسی نظریه‌های عمومی ذیربط کمیته حقوق بشر می‌پردازد. مقاله نهایتاً با تبیین ارکان مسئولیت بین‌المللی کشورها و چگونگی ایجاد آن به هنگام نقض و تعدی حق آزادی بیان به پایان می‌رسد.

### ▪ واژگان کلیدی:

حق آزادی بیان، معاهدات بین‌المللی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی، نظریه‌های عمومی کمیته حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی کشورها

## مقدمه

آزادی اندیشه و بیان یکی از آزادی‌های اساسی است که از دیدگاه‌های مختلف مذهبی، فلسفی، اجتماعی، اخلاقی، حقوقی و بین‌المللی مورد بحث و بررسی واقع شده و در قوانین داخلی و اسناد و پیمان‌های بین‌المللی انعکاس یافته و مورد حمایت قرار گرفته است. فلاسفه و اندیشمندان بزرگی همچون کانت، هگل، هابز، لاک، روسو، ولتر، هوگو، پوپر و سارتر هر کدام با نگرش، برداشت و تعریف خود از «حق» و «آزادی» گام‌های بزرگی را در شکل‌گیری و تکامل مفهوم حق آزادی بیان و اندیشه برداشته‌اند. جان استوارت میل می‌گوید: "اگر همه انسان‌ها یکسان بیندیشند و تنها یک تن با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک تن به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می‌کرد". (میل، ۱۳۶۳: ۱۵)

"آزادی عقیده و بیان از یکدیگر جداشدنی نیستند، آزادی نخست بدین معناست که یک شخص بتواند آن‌گونه که می‌خواهد فکر کند و آزادی دوم، آزادی ابراز و برملاکردن عقاید و افکار برای دیگران از راه وسایلی همچون سخن گفتن، رسانه‌ها، مطبوعات، آموزش، نمایش، سینما، رادیو و تلویزیون و... است. این آزادی‌های دوقلو برای شکوفاشدن هر یک به دیگری نیازمند است". (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۵۲) حق آزادی بیان را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داد. از نظر فلسفی و روانی می‌توان گفت: انسان آزاد آفریده شده و نیاز روانی به بیان افکار و اندیشه‌های خود دارد. یا از نظر اجتماعی، آزادی بیان سبب برخورد و تعاطی افکار و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها می‌شود. از طرفی، زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که برای اجرای هر حق مرزی در نظر گرفته شود تا هم آزادی دیگران را به خطر نیندازد و هم به منافع مشترک مردم و مصالح اجتماعی صدمه نزند. پس، در مرحله دوم باید دامنه اجرای حق و مرزهای آن را بررسی کرد، به‌گونه‌ای که محدودیت‌ها سبب سوءاستفاده مراکز قدرت قرار نگیرد و مرزهای آزادی به حداقل ممکن برسد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۷) حق آزادی بیان یکی از آزادی‌های اساسی بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق

بشر<sup>۱</sup> و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این حق در ردیف آزادی‌های سیاسی مدنی و نسل اول حقوق بشر به شمار می‌رود و تعهدات دولت‌ها درباره این دسته از حقوق از باب تعهدات به نتیجه است؛<sup>۲</sup> یعنی دولت‌های عضو میثاق‌های مربوطه متعهدند بدون ملاحظه امکانات موجود و یا شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، این حقوق را تضمین و محترم بشمارند.

نکته مهم دیگر این که اگرچه اسناد بین‌المللی پایه حقوق بشر و نیز اسناد منطقه‌ای حقوق بشر بر اهمیت حق آزادی بیان و مسئولیت کشورهای متعهد برای مراعات و تضمین آن بدون ملاحظه امکانات موجود و یا شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه تأکید نموده‌اند، با این حال، اجرای این حق نیز همچون بسیاری از دیگر حقوق بشر مطلق نبوده و مشروط و محدود به برخی نکات و ملاحظات شکلی و محتوایی، قانونی و حقوقی است که اغلب آن‌ها در بندهای مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تصریح شده است. به عبارت دیگر، تحقق این حق به استناد مندرجات اسناد ذکر شده وظایف و مسئولیت‌های خاص را نیز به همراه دارد. نوشتار حاضر در پی آنست تا با بررسی جایگاه حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبیین مفهوم و دامنه آزادی بیان گامی در جهت حصول درک عمیق‌تری از میزان و دامنه تکلیف کشورها در احترام، حمایت، تضمین و تحقق آن و نیز مسئولیت کشورهای متعهد در صورت تعدی و نقض این حق که در زمره حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود بردارد.

## مبحث اول: حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر

### ۱. منشور سازمان ملل متحد<sup>۳</sup>

منشور ملل متحد در برخی از مواد خود وظایف کشورها در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌ها و اعمال آن‌ها را مورد تصریح قرار داده است. بند ج ماده ۷۶ منشور مقرر می‌دارد:

<sup>۱</sup>. Universal Declaration of Human Rights (UDHR)

<sup>۲</sup>. Obligation of Result

<sup>۳</sup>. The Charter of the United Nations

«تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنا که ملل جهان به یکدیگر نیازمند هستند». همچنین در بند ب ماده ۱۳ منشور، کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب توسط مجمع عمومی به دولت‌ها توصیه شده است.

در بند ۳ ماده ۱ منشور تحت عنوان اهداف ملل متحد نیز پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز به حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب مورد تأکید قرار گرفته است.

همین‌طور مواد ۵۵ و ۵۶ منشور نیز به احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و تعهدات دولت‌ها برای اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه اشاره نموده و با توجه به این که حق آزادی بیان از جمله حقوق اساسی بشر می‌باشد، تأکید منشور در مواد یادشده شامل تأکید بر احترام و ارتقای این حق نیز می‌گردد.

## ۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر

حق آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مهم‌ترین سند بین‌المللی و اولین دستاورد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به شمار می‌رود، مورد تصریح قرار گرفته است.

این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». تعهدات دولت‌ها نسبت به این حقوق مطلق و قطعی است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اگرچه در ظاهر به صورت یک اعلامیه تصویب شده است، ولی با توجه به تکرار آن در اسناد بین‌المللی بعدی حقوق بشر و نیز تأکید بر اهمیت آن در تمام قطعنامه‌های حقوق بشری صادرشده توسط مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون و متعاقباً شورای حقوق بشر، به خوبی روشن است که مفاد آن جنبه حقوق بین‌الملل عرفی یافته است. در این خصوص، حتی لازم به توضیح است که کمیسیون حقوق بشر در سال

۱۹۸۰ در قضیه فیلارتگا به صراحت بیان می‌کند این اعلامیه به عنوان یک منبع قواعد حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌گردد.

### ۳. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup>

در بند ۲ ماده ۱۹ این میثاق در خصوص آزادی عقیده و بیان تصریح شده است: «هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی می‌باشد». لازم به تأکید است که در بند ۱ ماده ۲ میثاق عبارت (Ensure) (تضمین کردن) به کار رفته است. این واژه به خوبی تصریح می‌کند که دولت‌های عضو میثاق ملزم هستند یک رشته اقدامات ایجابی و مثبت را برای تحقق کامل حقوق حمایت شده تحت میثاق انجام دهند، در نتیجه کافی نیست دولتی اظهار نماید که در اعمال این حق مانع ایجاد نکرده و مداخله ننموده است، بلکه دولت مکلف است وسایل احقاق حق را فراهم کند و باید هم با وضع قوانین و مقررات ضروری در این عرصه و هم با ایجاد و تقویت یک سیستم قضایی کارآ و دارای کیفیت و قابل اتکا و مبتنی بر اصول دموکراسی و شایسته‌سالاری زمینه‌های لازم برای احقاق حق افراد نسبت به حقوق انسانی خود را فراهم نماید.

در بند ۳ ماده ۲ میثاق (بخش ب) نیز تأکید شده است هر دولت عضو این میثاق متعهد می‌شود تضمین نماید که مقامات صالح قضایی، اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست‌دهنده احقاق حق نماید و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضایی را توسعه دهد.

براساس ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، معاهدات یکی از منابع حقوق بین‌الملل می‌باشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و ابعاد این منبع مهم حقوق بین‌الملل، تعهدات کشورها نسبت به اجرای معاهدات در حوزه خاص مورد بحث است. گاه تعهدات پذیرفته شده در برخی اسناد بین‌المللی از وضوح و استحکام لازم برای اجرای قاطع، دقیق و

<sup>1</sup>. International Covenant on Civil and Political Rights

تعریف‌شده برخوردار نمی‌باشد. تعهدات پذیرفته‌شده توسط کشورها در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از آنها است. در این میان، آرای دادگاه‌ها و مراجع تعیین‌شده بین‌المللی مثل کمیته حقوق بشر<sup>۱</sup> برای حل و فصل اختلافات در خصوص اجرای تعهدات می‌تواند به ماهیت تعهدات کشورها و ارائه تصویر روشن‌تری از آنها و پیدایش اصول دقیق‌تر و اجرایی‌تر منجر شود.

#### ۴. اعلامیه هزاره<sup>۲</sup> منظم به قطعنامه

در اعلامیه هزاره مصوب ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ (در بند ۱۱) تحت عنوان حقوق بشر، دموکراسی و حکومت مطلوب اشاره شده است:

- به تمام اعلامیه جهانی حقوق بشر احترام بگذاریم و از آن حمایت کنیم.
- جهت حمایت کامل و ترویج حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همه در کشور تلاش کنیم.
- آزادی رسانه‌ها برای اجرای نقش اساسی آن‌ها و نیز حق مردم برای دسترسی به اطلاعات را تضمین کنیم.

#### ۵. دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ و سند مصوب آن<sup>۳</sup> (VDPA)

در دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر که در ژوئن ۱۹۹۳ در وین برگزار شد و سند پایانی آن تحت عنوان «اعلامیه و برنامه عمل وین» به تصویب رسید به آزادی بیان به عنوان یک عنصر جهانشمول اشاره شده است. در این کنفرانس از جمله، در خصوص ارتباط یک جامعه دموکراتیک و مبتنی بر مردم‌سالاری با آزادی بیان وفاقی عام حاصل شد و تأکید گردید تقویت و پیشبرد دموکراسی، بر ابراز اراده آزاد افراد و اندیشه‌ها و عقاید آن‌ها مبتنی می‌باشد.

<sup>۱</sup> Human Rights Committee

<sup>۲</sup> Millinume, A/RES/55/2

<sup>۳</sup> Vienna Declaration and Programme of Action

## ۶. اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشر

حق آزادی بیان در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ رم، در ماده ۱۴ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر مصوب ۱۹۴۸، در ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۶۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۸۱ و در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره مصوب ۱۹۹۰) مورد تصریح قرار گرفته است.

## ۷. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۱</sup>

در بند الف ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است: «هر کس دارای حق آزادی بیان می‌باشد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه به ملاحظات مرزی می‌باشد...» در بند ۲ این ماده نیز محدودیت‌های وارد بر حق آزادی بیان در چارچوب قانون و در یک جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار به نفع امنیت ملی، تمامیت سرزمینی یا رفاه عمومی، برای جلوگیری از بی‌نظمی و حفظ نظم عمومی و برای حمایت از بهداشت و اخلاق در صورتی که ضروری باشد، قید شده است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در تفاسیر خود از ماده ۱۰، حق آزادی بیان را نه تنها شرط اولیه و مقدماتی برای تحقق دموکراسی می‌داند، بلکه آن را شرط لازم و اساسی برای بهره‌مندی افراد از بسیاری دیگر از حقوق و آزادی‌های حمایت‌شده تحت کنوانسیون اروپایی تلقی می‌کند و آن را با اعمال ماده ۶ همین کنوانسیون یعنی اصل دادرسی منصفانه بسیار مرتبط می‌داند و نیز آزادی مطبوعات و آزادی بیان در قالب هنر و آثار هنری را مشمول اعمال ماده ۱۰ می‌نماید. علنی بودن محاکم رسیدگی‌کننده به جرایم مطبوعاتی و جرایم مربوط به آزادی بیان، منصفانه بودن جریان دادرسی و بی‌طرف بودن قضات و استقلال دستگاه قضایی نیز در ارتباط با اعمال این حق مورد تأکید دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار

<sup>1</sup>. The European Convention on Human Rights.



گرفته است.<sup>۱</sup> همچنین اعمال این حق، با ماده ۹ کنوانسیون (حق آزادی مذهب و عقیده) و ماده ۵ کنوانسیون (بازداشت موقت) مرتبط دانسته شده است.

#### ۸. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹<sup>۲</sup>

در بند ۱ ماده ۱۳ این کنوانسیون تصریح شده است: «هر کس از حق آزادی فکر و بیان برخوردار می‌باشد، این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع بدون توجه به محدوده مرزی، چه به صورت شفاهی، نوشتاری، چاپی، به شکل هنر یا به هر وسیله دیگر به انتخاب افراد می‌باشد.

در بخش الف بند ۲ همین ماده نیز، محدودیت‌های حق آزادی بیان ذکر شده است که عبارتند از: احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی، حمایت از نظم عمومی یا رفاه همگانی و اخلاق، که البته ضروری باشند و به وسیله قانون صریحاً پیش‌بینی شده باشند. این کنوانسیون از اعلامیه حقوق و تکالیف بشر که چند ماه قبل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ توسط سازمان کشورهای آمریکایی به تصویب رسیده بود، الهام گرفته است و مفاد آن را به عنوان استانداردهای خود در این کنوانسیون مورد استفاده قرار داده است.

#### ۹. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۱۹۸۱<sup>۳</sup>

در ماده ۹ این منشور آمده است:

۱. هر فرد باید حق دریافت اطلاعات را داشته باشد.

۲. هر فرد باید از حق بیان و اشاعه عقاید خود در چارچوب قانون برخوردار باشد.

#### ۱۰. در اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره ۱۹۹۰)

در بند الف ماده ۲۲ این اعلامیه آمده است: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در مورد قضایای رسیدگی شده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر رجوع کنید به:

Gomein, Don, Short Guide to the European Convention on Human Rights Council of Europe Press, 1995

<sup>۲</sup> The American Convention on Human Rights

<sup>۳</sup> The African Charter of Human Rights and Peoples

شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند». بندهای ب و ج این ماده نیز به نوعی با حق آزادی بیان مرتبط هستند. طبق بند د همین ماده: برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. این اعلامیه به اعتبار عنوان و محتوای آن ابتناء بر اصول و ارزش‌های شرعی و مذهبی دارد و به صراحت در ماده ۲۴ آن ذکر شده است: «کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است». بنابراین، محدودیت‌های مندرج در دیگر اسناد بین‌المللی و جهانی و منطقه‌ای برای اعمال حقوق و آزادی‌ها در این اعلامیه ذکر نشده و تنها با احکام شریعت اسلامی مقایسه و انطباق داده می‌شود.

#### ۱۱. نتیجه‌گیری بحث حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی<sup>۱</sup>

با بررسی اسناد بین‌المللی نتیجه گرفته می‌شود که حق آزاد بیان فقط در معنای خاص آن یعنی سخن گفتن و آزادی کلام (Freedom of Speech) به کار نمی‌رود، بلکه مصادیق گوناگونی از جمله حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی‌های جدید اطلاع‌رسانی از جمله اینترنت و دیگر شبکه‌های خبری، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری (همچون نقاشی، فیلم، سینما و تئاتر)، حق تبلیغات تجاری<sup>۲</sup> را نیز شامل می‌گردد. در واقع در مفهوم عام عبارت (Freedom of Expression) به کار می‌رود.

نکته مهم دیگری که توضیح آن ضروری به نظر می‌رسد این است که در تمام اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای (به جز اعلامیه قاهره)، تأکید شده است که محدودیت‌های وارد بر اعمال این حق باید مطابق با قانون ایجاد شده باشد و اعمال آن محدودیت‌ها در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشند و نیز این محدودیت‌ها حصری هستند نه تمثیلی و دولت‌ها نمی‌توانند با تفسیر موسع خود، دامنه محدودیت‌های وارد بر اعمال این حق را گسترش دهند.

<sup>۱</sup>. مطالب بند ۱۱ برگرفته از سایت

[www.dadsetani.ir/Protals/dadsetani.ir/PaperAttch/501.htm](http://www.dadsetani.ir/Protals/dadsetani.ir/PaperAttch/501.htm)

<sup>۲</sup>. Comercial Propaganda or Advertisement

همچنین باید به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۷۰ در قضیه بارسلونا تراکشن اشاره نمود که در آن تعهدات دولت‌ها برای رعایت حقوق اساسی بشر را از جمله مصادیق تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال کل جامعه بین‌المللی و از تعهدات لازم‌الاجرا برای همگان و عام‌الشمول (Erga Omnes) می‌داند و به صراحت تأکید می‌کند که مسائل مربوط به رعایت حقوق بنیادین بشر، امروزه از صلاحیت داخلی دولت‌ها خارج شده است و به قلمرو صلاحیت جامعه بین‌المللی در آمده است و این امر از نتایج تحولات حقوق بین‌الملل و ارتقا و اهمیت جایگاه بشر در نظام بین‌المللی می‌باشد.

بنابراین حق آزادی بیان یک حق مطلق<sup>۱</sup> نیست، بلکه مقید به قیود و شرایطی است و از جمله حقوقی نیست که در فهرست حقوق مندرج در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان حقوق غیرقابل عدول و تخطی ناپذیر<sup>۲</sup> ذکر شده است و اگرچه اعمال این حق گاهی ممکن است با دیگر حقوق تزاخم پیدا کند ولی این مقید بودن آن هیچ مغایرتی با جهانشمولی آن نخواهد داشت. از این رو حق‌های محدود و مقید مثل آزادی بیان هم می‌توانند جهانشمول باشند، البته نقش فرهنگ‌ها و مقتضیات خاص نظم عمومی، بهداشت عمومی و اخلاق حسنه را نیز نباید نادیده گرفت.

## ۱۲. مبانی آزادی بیان در اسلام

در اسلام به عنوان یک دین و شریعت، قبل از آمدن اعلامیه‌ها و اسناد حقوق بشری، آزادی‌هایی از جمله آزادی بیان به نحو شایسته‌ای حمایت و تأیید شده است. اصول و ضوابطی که فقیهان و حقوق‌دانان مسلمان با بهره‌گیری از منابع اسلام در اختیار گذاشتند، راهنمای بسیاری از مباحث از جمله آزادی بیان است. نباید فراموش کرد که زمینه‌های تاریخی بحث آزادی بیان و عقیده در غرب بیشتر متأثر از شرایط و فضایی بود که کلیسا بر جوامع حاکم کرده بود و رهایی از آن جز در تعریف چنین آزادی‌هایی فراهم نمی‌گشت. اما در اسلام، اصول متعددی این حق و بلکه در مواردی این تکلیف را استوار داشته است. گفتار، رفتار پیشوایان دین، تأییدی بر حق آزادی بیان است که از جمله می‌توان به موارد زیر

<sup>۱</sup>. Absolute Right

<sup>۲</sup>. Non-Derogable

اشاره کرد:

### دعوت به اندیشه، تدبیر و تعقل

**اصل امر به معروف و نهی از منکر:** در اسلام مسئولیت افراد از مسئولیت کارگزاران جدا نیست. اگر دولت‌ها جامعه را اداره می‌کنند مردم نیز عضو همان جامعه‌اند. نظارت مردم بر کارگزاران از مواردی است که در سیره حکومتی پیشوایان مسلمان وجود داشته است و مسلمانان به‌ویژه در صدر اسلام در مقابل حکومت، احساس مسئولیت می‌کردند و نظارت بر اعمال زمامداران را حق خود می‌دانستند «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت».

**اصل مشورت:** اصل مشورت نیز یکی دیگر از مهم‌ترین اصول مورد توجه اسلام در امور فردی، اجتماعی و سیاسی است که لازمه منطقی و طبیعی آن وجود آزادی بیان است. قرآن کریم، پیامبر (ص) را به مشورت با یاران و اصحاب فرمان می‌دهد و در سوره آل عمران می‌فرماید: «و شاورهم فی الامر؛ با آنان مشورت کن».

**حق انتقاد و نصیحت به زمامداران مسلمان:** حق انتقاد یکی از نمونه‌های بارز حق آزادی بیان است. این حق برای یکایک شهروندان محفوظ است و هر کس می‌تواند دستگاه‌های مختلف سیاسی کشور را مورد انتقاد قرار دهد. به رسمیت شناختن این حق در عمل، زمامداران را وادار می‌کند تا در پرهیز از نگاه تیزبین توده مردم و خردمندان جامعه، چنان عمل کنند که کمتر هدف انتقاد قرار گیرند.

### ۱۳. حق آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت از عبارت آزادی بیان و اندیشه ذکری به میان نیامده است. در اصل ۲۴ قانون اساسی تنها به آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب اشاره شده است، در حالی که همان‌طور که پیشتر ذکر شد حق آزادی بیان علاوه بر مطبوعات و نشریات (و نوشتار به طور کلی)، تمامی بیانات و گفتارها و نیز اعمال این حق از طریق آثار هنری همچون نقاشی، فیلم و تئاتر و غیره را هم در بر می‌گیرد.

به موجب اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». لازم

به ذکر است که نظام حقوقی مندرج در قانون اساسی در اعمال حق آزادی بیان، نظام تنبیهی<sup>۱</sup> است و نه یک نظام بازدارنده پیشگیرانه.<sup>۲</sup>

نظام تنبیهی، نظامی است که با روح و فطرت آزادی‌خواهی هماهنگ‌تر و موافق‌تر است. در این نظام شهروندان بدون هیچ‌گونه محدودیتی، آزادی‌های شناخته‌شده به موجب حقوق و قوانین موضوعه را اعمال می‌کنند بدون آن که مکلف باشند از مقامات اداری یا قضایی، اجازه قبلی کسب نمایند، تنها محدودیتی که وجود دارد آن است که شهروندان به هنگام اجرای حقوق اساسی خود باید محدودیت‌های مقرر شده به وسیله قانون را رعایت نمایند و اگر این محدودیت‌ها را رعایت نکنند، تنها دادرسی و مقام قضایی است (و نه یک مقام اداری)، که ضمانت اجراهای مقرر در قانون را در مورد متخلفان اعمال می‌کند. به موجب بند ۷ اصل سوم قانون اساسی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است و دولت باید برای نیل به آن تمام امکانات خود را به کار گیرد. بنابراین در حوزه اعمال حق آزادی بیان در یک نظام تنبیهی، انتشار یک روزنامه یا نشریه به کسب مجوز قبلی نیاز ندارد و تحت هیچ سانسوری نیز قرار نخواهد گرفت.

اما یک نظام بازدارنده یا پیشگیرانه، نظامی است که اعمال و اجرای آزادی‌ها در آن منوط به کسب مجوز قبلی است و این مجوز از یک مقام اداری و نه یک مقام قضایی باید درخواست شود و همین مقام اداری در صورت لزوم می‌تواند اجرای حقوق را متوقف سازد. نظام بازدارنده را می‌توان به خوبی در قانون کنونی مطبوعات (مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ به همراه طرح اصلاحی مصوب سال ۱۳۷۹) ملاحظه نمود.

طبق ماده ۱۸ این قانون: «انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و با اخذ پروانه از وزارت ارشاد اسلامی آزاد است». در هر حال طبق قانون یادشده انتشار مطبوعات نیازمند کسب پروانه انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در قوانین عادی ایران همچون قانون مطبوعات، فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ نظام کاملاً بازدارنده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. Punitive Regime

<sup>۲</sup>. Preventive Regime

<sup>۳</sup>. مطالب بند ۱۳ با بهره‌گیری از منابع ذیل تنظیم شده است:

نتیجه‌گیری این بخش در ذیل می‌آید:

با بررسی قانون اساسی و قوانین عادی کشور در مورد مؤلفه‌های حقوق سیاسی افراد از جمله: حق آزادی عقیده، مطبوعات و اطلاعات و حق آزادی بیان مشخص می‌شود که به رغم تصریح به عمل آمده در قوانین فوق‌الذکر، هیچ ضمانت کیفری صریحی در رابطه با نقض این حقوق پیش‌بینی نشده است. به همین لحاظ، به ناچار بایستی به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تمسک جست؛ در حالی که به نظر نمی‌رسد به قانون مزبور در پاسخ‌گویی به نقض و سکوت قوانین کیفری نیز راه‌حل مناسبی باشد؛ چرا که این ماده، صرف‌نظر از کلی بودن، در برخی موارد، قابل تطبیق نقض حقوق سیاسی افراد نیست و این در حالی است که مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه و میثاق، صراحتاً بر لزوم پیش‌بینی و رعایت حقوق سیاسی تأکید دارند (صالحی، ۱۳۸۸: ۹۶).

## مبحث دوم: بررسی مقایسه‌ای حق آزادی عقیده و بیان و قیود و محدودیت‌های مترتب بر آن در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر

### ۱. حق آزادی بیان

حق آزادی بیان به اعتباری از منظر حقوق بشر بین‌المللی، مادر سایر حقوق و آزادی‌های اساسی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد چنین تعبیری به خاطر آن است که بیان و ابراز نظر در تمامی اشکالش تنها وسیله و ابزار تحقق کرامت انسانی که شامل آزادی برای انتخاب همه خوبی‌ها (کمالات، خیرها) می‌گردد، می‌باشد.

در چارچوب ماهیت حق آزادی بیان و محدودیت‌های مترتب بر آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (میثاق اول)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (میثاق دوم) و همچنین کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه

الف) دکتر کاظم معتمدنژاد، «حقوق مطبوعات، بررسی تطبیقی مبانی حقوق آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس و انتشار آن‌ها»، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.

ب) دکتر سیدمحمد هاشمی، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، قسمت سوم تحت عنوان حقوق اساسی مردم، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۶۳.

اشکال نژادپرستی و تبعیض نژادی لازم است مواد مرتبط با آن از جمله مواد ذیل مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

## ۲. ماده ۲۸ اعلامیه

هر فرد حق دارد از یک نظم اجتماعی و بین‌المللی که در آن حقوق و آزادی‌های ذکر شده در اعلامیه بتواند به طور کامل محقق شود، برخوردار گردد. همان‌گونه که از محتوا مستفاد می‌شود، این ماده در باره استحقاق هر کس جهت برخورداری از یک نظم اجتماعی و بین‌المللی به عنوان چارچوب عمومی برای تحقق حقوق بشر است. تعریف حقوقی و معنایی مفهوم «نظم» به منظومه‌ای اشاره می‌کند که یک تمامیت لایتجزا بوده که در آن تمام بخش‌های تشکیل دهنده در توازن و تناسب و به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. در نتیجه، هر تفسیری از آزادی بیان که در تعارض با اهداف و اصول منشور و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد به لحاظ حقوقی باطل و بی ارزش است. ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، به نحوی از انحاء، تأکیدی است بر این که همه اقدامات (اعمال) در مفهوم واقعی و تمامیتشان بایستی در هماهنگی و تناسب با اهداف منشور باشند.

## ۳. ماده ۷ اعلامیه

«همه از منظر قانون برابرند و حق دارند بدون هرگونه تبعیض از حمایت برابر قانون برخوردار شوند. همه استحقاق برخورداری از حمایت بالسویه در مقابل هرگونه تبعیض در نقض مفاد این اعلامیه و در مقابل هرگونه تحریک به اعمال چنین تبعیضی را دارند». این ماده تأکیدی است بر این که تحریک به خشونت و تبعیض نمی‌تواند در هیچ حالتی پذیرفته شود. اگر عمل تحریک تحت هر عنوانی از جمله حقوق آزادی مذهب یا آزادی بیان انجام شود، چنین عملی قطعاً برخلاف اهداف منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

## ۴. ماده ۱۹ اعلامیه

«هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق یاد شده شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

## ۵. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

- بند ۱. «همه (انسان‌ها) حق داشتن عقیده مصون از مداخلات را دارند»
- بند ۲. «همه آزادی بیان دارند، این حق شامل جستجو، دریافت و پخش هر نوع اطلاعات، ایده‌ها و فارغ از (محدودیت) مرزها، یا به صورت شفاهی، به صورت کتبی یا چاپی، در قالب هنر، یا هر رسانه دیگر مورد انتخاب خود، می‌گردد.»
- بند ۳. «اجرای حقوق مندرج در بند ۲ این ماده در برگیرنده وظایف و مسئولیت‌هایی می‌باشد. بنابراین اجرای آن ممکن است مقید به محدودیت‌های خاص باشد، اما اینها (محدودیت‌ها)، تنها آنهایی خواهند بود که طبق قانون تعیین شده و ضروری می‌باشند.»

## ۶. ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

- در بند ۱ می‌گوید «هرگونه تبلیغی برای جنگ طبق قانون ممنوع خواهد بود.»
- بند ۲. هرگونه هواداری (طرفداری) از تنفر ملی، نژادی و مذهبی که منجر به تحریک، تبعیض، تخاصم یا خشونت شود طبق قانون ممنوع می‌باشد.

## ۷. کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال نژادپرستی و تبعیض نژادی

- ماده ۴ می‌گوید «کشورهای عضو (کنوانسیون) همه تبلیغات و همه سازمان‌هایی را که بر مبنای ایده‌ها و نظریه‌های برتری یک نژاد یا گروهی از افراد با یک رنگ پوست یا ریشه قومی، یا آنهایی که تلاش می‌کنند تنفر یا تبعیض نژادی را در هر شکلی از آن توجیه نموده یا ارتقا بخشند، محکوم می‌کنند، و متعهد می‌شوند، موازین فوری و مثبتی را تصویب کنند که برای ریشه‌کن کردن هم اشکال تحریک، یا چنین تبعیضاتی طراحی شده است و در این راستا با توجه کامل به اصول گنجانده شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوقی که به صراحت در ماده ۵ این کنوانسیون آورده شده از جمله اقدامات ذیل را به عمل آورند:
- الف) هرگونه انتشار ایده‌های مبتنی بر برتری و تنفر نژادی، تحریک تبعیض نژادی، همچنین همه اعمال خشن یا تحریک به چنین اقدامی علیه هر نژاد یا گروهی از افراد با رنگ پوست یا ریشه نژادی دیگر و تأمین هرگونه کمک به فعالیت‌های نژادپرستانه به شمول تأمین مالی آن‌ها را یک جرم قابل مجازات توسط قانون اعلام می‌کند؛



ب) سازمان‌ها را ممنوع و همچنین تمامی فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان‌یافته‌ای که موجب ارتقا و تحریک و تبعیض نژادی می‌شوند را غیرقانونی اعلام کرده و شرکت در چنین سازمان‌ها یا فعالیت‌هایی را جرمی قابل مجازات توسط قانون می‌داند؛  
ج) به مقامات یا مؤسسات دولتی، محلی و ملی اجازه ارتقا یا تحریک تبعیض نژادی را نمی‌دهد".

### ۸. ماهیت، مصالح و اقتضائات حق

حق فی‌الحّد ذاته یک هدف نیست، بلکه ابزاری است برای حفاظت از کرامت فرد به عنوان یک موجود زنده مادی، اخلاقی و معنوی و نیز کمال اجتماعی در حیات مشترک بشری. بنابراین، عنصر ابزاریت از مشخصات ذاتی سیستم حقوق است. شخصیت حقوق در قدرت آن‌ها برای خدمت به کرامت، عدالت اجتماعی، صلح و هارمونی ابنای بشر در سپهر عمومی توصیف و تبیین می‌گردد.

در عین حال، بسیاری از فلاسفه قدیم و جدید و نیز حقوق‌دانان شامل پیروان مکاتب طبیعت‌گرایی و پوزیتیویست (به عنوان مثال: امانوئل کانت، دورکین (Dworkin) و هانس کلسن و...) قائل به این بودند که حقوق بالذاته نمی‌توانند مطلق باشند و تحقق آن‌ها بایستی در قالب مصالح و مقتضیات سپهر عمومی جامعه و برای کامیابی و خوبی مشترک انسانی باشد. اگر حقوق در قلمروی عمومی نامحدود باشد، معکوس عمل کرده و با مصالح و کامیابی مشترک در جامعه بشری ضدیت می‌کند. بنابراین، فلسفه وجودی حقوق بشر همان‌گونه که در بالا اشاره شد یعنی در خدمت استقلال و حاکمیت فرد، حفاظت از کرامت انسانی و امنیت شخص وی در چارچوب مصالح و کامیابی و خیر مشترک از جمله برخورداری از صلح و رفاه عمومی در جامعه بزرگ که رشد آزادانه و کامل شخصیت انسانی تنها در آن میسر می‌باشد، موضوعیت پیدا می‌کند. در این چارچوب، سرشت حق آزادی بیان این است که بتواند آزادی فرد برای بیان آزادانه عقایدش به روش‌های مختلف از جمله دریافت و انتقال آزادانه اطلاعات در قالب مقتضیات و مصالح اشاره شده، نیازهای فرایند توسعه در یک جامعه بشری، ملی یا بین‌المللی را فراهم آورد.

دقیقاً به این دلایل است که اعمال حقوق به طور کلی و حق آزادی بیان به طور خاص، مشروط به برخی از محدودیت‌ها در چارچوب ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۴ و ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. به عبارت دیگر، اجرا و اعمال حقوق به زبان اسناد اصلی حقوق بشر سازمان ملل با خود "مسئولیت‌ها و وظایفی" را دارد. این نکته به طور خاص مهم است که محدودیت‌های مقرر شده در اسناد حقوق بشری سازمان ملل دوباره در اسناد حقوق بشر منطقه‌ای مثل کنوانسیون‌های حقوق بشری اروپایی و آمریکایی در بندهای مختلف گنجانده شده است.

یک روش عملی به منظور تعیین سرشت و ماهیت حقوق بشر مقرر شده در حقوق بین‌الملل، تحلیل آن‌ها در رابطه با مواد متناظر در اسناد حقوق بشر مربوطه در چارچوب سازمان ملل و حتی سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اسناد حقوق بشر اروپایی و آمریکایی است. مصداق مورد نظر به طور خاص محدودیت‌های اعمال شده در قالب موادی که فوقاً به آن‌ها اشاره شد و نیز مفاد موادی چون ماده ۲۰ میثاق اول و ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی می‌باشد. بر مبنای آنچه که ذکر شد، می‌توان استدلال کرد که منظور اصلی سیستم حقوق در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و ماهیت آن‌ها در محورهای ذیل قابل تعیین است:

الف) تعهدات و پایبندی کشورهای متعهد تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای احترام، حمایت و اعمال حقوق و آزادی‌های بنیادین.

ب) محدودیت تحمیل شده بر اعمال حقوق، (مواد ۱۹ میثاق اول و ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر،...).

ج) وظایف و مسئولیت‌های افراد، گروه‌ها و کشورها (مواد ۱۲، ۱۸ و ۱۹ میثاق اول و ماده ۲۹ اعلامیه،...).

د) افراط‌ها (زیاده‌روی‌ها) و مخاطرات شدید ناشی از سوءاستفاده از حقوق (مواد ۲۰ میثاق اول و ۴ میثاق دوم و...).

ه) سرشت و مقتضیات ذاتی نظام اجتماعی و بین‌المللی (ماده ۲۸ اعلامیه، اهداف و اصول منشور سازمان ملل،...).

## ۹. محدودیت‌های حق آزادی بیان

اکثریت مطلق فلاسفه سیاسی مدرن، اگرچه معتقد به حقوق فردی به عنوان پایه و بنای زندگی بشری‌اند، با این حال تصریح می‌کنند که این حق ممکن است در یک جامعه تحت شرایطی که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود محدود گردد:

- در وضعیت تضاد بین دو یا چند حق بنیادین،
  - در وضعیت تضاد بین محتوای روشن یا نیمه‌روشن (مبهم) یک حق،
  - در وضعیت تضاد بین یک حق بنیادین و خطر جدی و شدید تهدیدکننده جامعه،
  - در وضعیت تضاد بین حقوق و هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اساسی یک جامعه.
- این تصریحات، ظاهراً مبنای بسیاری از اسناد حقوقی و سیاسی حقوق بشر در تاریخ متأخر را تشکیل می‌دهد. در سطح حقوق بین‌الملل، اولین عنصر اساس مفهوم «نظم» مقرر در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ماده مذکور بدین قرار است: «هر شخص استحقاق برخوردار شدن از یک نظم اجتماعی و بین‌المللی که در آن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه محقق گردند را دارد».

اعلامیه و برنامه عمل وین (VDPA) در پاراگراف پنجم بخش اول خود تصریح می‌کند که همه حقوق بشر جهانشمول، غیرقابل تقسیم، وابسته و مرتبط با هم هستند.<sup>۱</sup> این تصریح ما را به این نکته می‌رساند که نظم بین‌المللی که در بر گیرنده قوانین و سیستم حقوق بشر می‌باشد، «یک تمامیت لایتجزاست».<sup>۲</sup>

در این «نظم» مشخصاً اعمال هر گروه از حقوق در تعامل با گروه دیگری از حقوق بوده و بنابراین تأثیر متقابلی بر یکدیگر هم به روش‌های منفی و هم به روش‌های مثبت در یک جامعه، ملی یا بین‌المللی دارد و دقیقاً به همین دلیل است که مؤلفین اعلامیه جهانی

<sup>۱</sup> بند ۵ بخش اول اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳ "تمام حقوق بشر جهانشمول، غیرقابل انفکاک و تقسیم و وابسته و مرتبط با یکدیگرند. رهیافت جامعه بین‌المللی با حقوق بشر بایستی جهانی و در وضعیتی منصفانه، برابر، در شأن مساوی و با تأکیدی یکنواخت باشد. در حالی که اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های متنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی بایستی مورد نظر قرار گیرند، این وظیفه کشورهاست که به‌رغم سیستم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایشان، نسبت به ارتقا و حمایت از تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اقدام نمایند".

<sup>۲</sup> Indivisible Whole

حقوق بشر و میثاقین در پی شناسایی حوزه‌هایی که واجد اهمیت اساسی در محیط عمومی هستند، بوده‌اند. محیط عمومی که اعمال نامحدود حقوق در آن‌ها ممکن است آثار منفی آسیب‌زننده‌ای به بنیادهای جوامع انسانی وارد کند.

#### ۱۰. قانونی بودن محدودیت‌ها

در بررسی دقیق مواد ذریبط اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین که در وضعیت‌های خاص، محدودیت‌هایی را مقرر می‌دارد می‌توان دو گروه یا طبقه‌بندی حقوقی در این حوزه را شناسایی کرد:

۱. محدودیت‌ها در شرایط عادی

۲. محدودیت اعمال‌شده در وضعیت‌های وخیم و اضطراری (فسخ شدن تحت ماده ۴

میثاق اول).

در جمع‌بندی محدودیت‌های مترتب بر حقوق بشر در بدنه اصلی قوانین بین‌المللی،

حوزه‌های ذیل می‌توانند مبنایی برای اعمال آن‌ها توسط کشورها را فراهم کنند.

الف) برای احترام به حقوق، شهرت و اعتبار سایرین (حقوق و آزادی‌های بنیادین در

ارتباط با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛

ب) برای حمایت از امنیت ملی؛

ج) برای حمایت از نظم عمومی (Ordere Public)؛

د) برای حمایت از بهداشت عمومی؛

ه) برای حمایت از اخلاق عمومی؛

و) برای حمایت از رفاه عمومی.

بسیار مهم است در نظر داشته باشیم که کشورها نه تنها می‌توانند حقوق بنیادین را

جهت حمایت از موارد فوق محدود کنند، بلکه موظفند به جهت حفظ منافع و خیر مشترک

چنین محدودیت‌هایی را اعمال کنند.

در طبقه‌بندی دوم، بر مبنای ماده ۴ میثاق اول، کشورها جدا از حفظ محدودیت‌ها،

حقوق و آزادی‌های به لحاظ حقوقی، مجاز به فسخ موقتی تعهدات حقوقی خود برای احترام

و مراعات برخی از حقوق بشر از جمله حق آزادی بیان می‌باشند. در نتیجه، به صورت

حقوقی و گسترده تصریح و اعتراف شده است که چنانچه اعمال حق آزادی بیان واجد اثری در تهدید خیر و منافع مشترک باشد، این وظیفه کشورهاست که نسبت به محدود کردن آن حقوق بنیادین مداخله و عمل نمایند.

#### ۱۱. محدودیت‌ها باید در یک جامعه دموکراتیک اعمال شود

محدودیت‌ها را نمی‌توان در یک وضعیت بی‌قانونی در جامعه‌ای که با حاکمیت یک فرد اداره می‌شود اعمال نمود. این شرایط و اوضاع در کشوری به چشم می‌خورد که نه مجلسی، نه مشارکت مردمی در دولت، نه انتخاباتی و نه حاکمیت قانونی وجود دارد. این نکته بدین معناست که در جوامع مختلف با فرهنگ‌ها و مذاهب متنوع رویکردهای متفاوتی نسبت به دموکراسی وجود دارد و این دقیقاً موضوع اصلی پاراگراف پنجم بخش اول "اعلامیه و برنامه عمل وین" مصوب دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در ۱۹۹۳ است.

#### ۱۲. آزادی بیان، سخنرانی‌های تنفرآمیز و جرم‌انگاری

سیستم حقوق بشر از زمان آغاز به کار هیچ‌گونه سازوکار بین‌المللی عدالت کیفری جهت حمایت از تابعین حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق بشر مقرر نداشت. نهادهای منشور پایه،<sup>۱</sup> سیستم حمایتی را عمدتاً در چارچوب مؤسسات سیاسی بین‌المللی مثل شورای امنیت سازمان ملل، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر و غیره، تعریف کردند. به نهادهای معاهده‌ای<sup>۲</sup> نیز مأموریتی شبه قضایی<sup>۳</sup> برای نظارت بر تعهدات کشورها تحت ابزارهای بین‌المللی داده شده است. بعدها در دهه آخر قرن بیستم، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، سیستم عدالت کیفری بین‌المللی را برای رسیدگی به نقض فاحش حقوق بشر مثل جنایات جنگی، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، تبعیض و شکنجه و غیره تأسیس کرد. مظاهر نقض فاحش حقوق بشر در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان تجسم یافته و توصیف شده است.

<sup>۱</sup>. Charter-Based Institutions

<sup>۲</sup>. Treaty-Based Institutions

<sup>۳</sup>. Quasi Judicial

از سوی دیگر، مواد ۲۰ میثاق دوم و ۴ کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نیز مفادی دارد که طی آن از کشورهای عضو می‌خواهد طیف گسترده‌ای از موارد نقض حقوق بشر مثل تحریک به تنفر، تحریک به تبعیض نژادی و همچنین همه اقدامات خشونت‌آمیز یا تحریک به چنین اقدامات علیه هر نژاد یا گروهی از افراد با رنگ پوست و ریشه قومیتی متفاوت و نیز تأمین هرگونه کمک به فعالیت‌های نژادپرستانه از جمله تأمین مالی آن‌ها را، یک جرم قابل مجازات توسط قانون اعلام نمایند. یک بُعد حقوقی که خیلی مهم است، این است که محتوای این مفاد تماماً درباره فکرها و ایده‌ها و طرفداری است که ارتقا یا تبلیغ اقدامات تنفرآمیز و خشن مبتنی بر نژاد و مذهب و غیره را نمایندگی می‌کند. این واژه حقوقی در ابزارهای حقوق بشری، کشورهای عضو را ملزم به این نمی‌کند که جرم‌انگاری را منوط به وضعیت "قریب‌الوقوع خشونت" مقرر در قطعنامه‌های ذیربط مجمع عمومی و شورای حقوق بشر تحت عنوان "مقابله با ناپردباری، استریوتایپینگ منفی، ملوک نمودن؛ تبعیض، تحریک به خشونت و خشونت علیه افراد مبتنی بر مذهب و عقیده بنمایند". به تبع آن، کشورهای عضو معاهدات (ابزارهای) اصلی حقوق بشر متعهد به جرم‌انگاری، ایده‌ها، طرفداری‌ها و تبلیغات هستند که منتج به اقدامات تنفرانگیز و خشن، تبعیض و سایر اشکال نقض حقوق بشر می‌شوند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دولت‌هایی که تمایلی به انجام این تعهد نداشته و از جرم‌انگاری نقض‌های مورد اشاره در ابزارهای حقوق بشری می‌گریزند، مسئول ادامه اقدامات مجرمانه علیه اعضای یک نژاد خاص یا پیروان مذهب خاصی می‌باشند.

### ۱۳. بررسی مقایسه‌ای تعهدات کشورهای عضو در قبال دو میثاق بین‌المللی حقوق

#### مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

نخست لازم است جهت آشنایی بیشتر با بخش‌های مربوطه دو میثاق، ماده ۲ هر کدام

عیناً ذکر شود:

#### ماده ۲. میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی - مدنی

دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته‌شده در این میثاق را

درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت‌شان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد،

رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت نسبت یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین نمایند.

### مثبت بودن ماهیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دولت می‌باید برای تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست به اقدامات ایجابی بزند، مثل حق غذا و مسکن.

### فوری بودن تحقق حقوق سیاسی - مدنی

### فرایندی بودن تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تعبیرات دو میثاق در بیان تعهدات به طور کلی متفاوت می‌باشد.

در میثاق حقوق مدنی - سیاسی تعبیرات به شکلی تنظیم شده که تأمین حقوق الزام‌آور می‌باشد. مثل «هر کس حق دارد...» و یا «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند...». در حالی که در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق مذکور صرفاً شناسایی شده‌اند.

### مبحث سوم: کمیته حقوق بشر و بررسی بندهای ذریبط نظریه عمومی شماره ۳۴ آن در خصوص ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: آزادی عقیده و بیان

کمیته حقوق بشر یک نهاد معاهده‌ایست که به موجب ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ایجاد شده و متشکل از ۱۸ عضو از اتباع کشورهای متعاقد به میثاق می‌باشد. یکی از وظایف مهم این کمیته تفسیر مفاد میثاق و روشن نمودن دامنه و معنای مواد آن و در نتیجه، تعهدات کشورهای عضو از طریق تقریر و تصویب نظریه‌های عمومی است.<sup>۱</sup> «یک نظریه عمومی در حال حاضر به عنوان بیانیه عمومی قانون محسوب می‌شود که درک مفهومی کمیته از محتوای مواد خاصی را بیان می‌نماید و بدین ترتیب راهنمای خیلی مفیدی برای ماهیت هنجاری تعهدات بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد».

بند ۲ نظریه عمومی ۳۴: «آزادی عقیده و بیان از شرایط صرفنظر نکردنی رشد کامل فرد است. این حقوق برای هر جامعه‌ای بسیار لازم هستند.<sup>۲</sup> آنها سنگ بنای هر جامعه آزاد

<sup>۱</sup> General Comments

<sup>۲</sup> See Communication No. 1173/2003, Benhadj V. Algeria...

و دموکراتیک را تشکیل می‌دهند. این آزادی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، به نحوی که آزادی بیان رسانه‌ایست برای مبادله و رشد عقاید».

بند ۳: «آزادی بیان شرط لازم برای تحقق اصول شفافیت و پاسخگویی است که آنها نیز به نوبه خود برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر ضروریند».

بند ۴: «در بین سایر مواد (میثاق)، مواد ۱۸، ۱۷، ۲۵ و ۲۷ متضمن ضمانت برای آزادی عقیده و یا آزادی بیان هستند. آزادی عقیده و بیان مبنای بهره‌مندی کامل طیف وسیعی از سایر حقوق بشر می‌باشند. به عنوان مثال، آزادی بیان بخش مهم تشکیل‌دهنده برخورداری از حق آزادی تجمع و مشارکت و حق رأی دادن است».

بند ۷: «تعهد به احترام به آزادی عقیده و بیان به طور کلی برای هر کشور عضو الزامی است. همه قوای کشور اعم از (مجریه، مقننه و قضائیه) و سایر مقامات عام یا دولتی، در هر سطحی - ملی، منطقه‌ای یا محلی - در موقعیتی قرار دارند که متعهد به مسئولیت کشور عضو (میثاق) اند.<sup>۱</sup> این مسئولیت ممکن است تحت شرایطی مرتبط با اقدامات موجودیت‌های شبه دولتی شامل حال کشور عضو بشود.<sup>۲</sup> تعهد همچنین مستلزم این است که دولت عضو تضمین نماید که افراد از هر اقدام اشخاص یا موجودیت‌های خصوصی که به بهره‌مندی از آزادی عقیده و بیان لطمه می‌زنند، حمایت کند، تا آنجایی که این حقوق میثاقی بین افراد یا موجودیت‌های خصوصی قابل اعمال باشند».<sup>۳</sup>

بند ۸: «کشورهای عضو ملزم به تضمین این هستند که حقوق مندرج در ماده ۱۹ میثاق در قوانین داخلی کشور نافذ و جاری گردد، به نحوی که با رهنمود مقرر توسط کمیته مندرج در نظریه عمومی شماره ۳۱ در خصوص ماهیت تعهد حقوقی کلی اعمال شده بر کشورهای عضو میثاق سازگار باشد. یادآوری می‌گردد که کشورهای عضو باید قواعد حقوق داخلی ذیربط، اقدامات اداری و تصمیمات قضایی و همچنین خط‌مشی و سایر اقدامات بخشی ذیربط مرتبط با ماده ۱۹ با لحاظ نمودن موضوعات مورد بحث در نظریه عمومی حاضر را مطابق گزارشات تسلیمی به موجب ماده ۴۰ (میثاق) در اختیار کمیته قرار

<sup>1</sup>. See The Committee's General Comment No. 31.

<sup>2</sup>. See Communication No. 61/1979 Hertzberg...

<sup>3</sup>. General Comment N. 31, Para. 8; See Communication. No. 633/1995 Gauthier V. Canada



دهند. این اطلاعات همچنین باید شامل تدابیر جبرانی موجود در صورت نقض شدن حقوق یادشده بشود».

سایر نقطه نظرات تفسیری کمیته در ارتباط با ابعاد مختلف حق آزادی بیان و مسئولیت کشورهای عضو در تضمین آنها در بندهای ۱۱ (مباحث سیاسی، اظهارنظر درباره وضعیت خود و جامعه، فعالیت برای جمع‌آوری آراء، بحث درباره حقوق بشر، روزنامه‌نگاری، بیان‌های هنری و فرهنگی، آموزش، گفتگوهای مذهبی، تبلیغات تجاری مطابق با مفاد ماده ۱۹، بند ۳ و ماده ۲۰) و ۱۲ (هرگونه بیان گفتاری، نوشتاری، زبان علائم، بیان‌های غیرگفتاری مثل تصاویر و اشیای هنری، کتاب، روزنامه، اعلامیه، پوستر، بنر، لباس و تفویض‌های حقوقی) مشخص شده اند.

بندهای ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ با عنوان فرعی «آزادی بیان و رسانه‌ها»، بندهای ۱۸ و ۱۹ تحت عنوان فرعی «حق دسترسی به اطلاعات» و بند ۲۰ با عنوان «آزادی بیان و حقوق سیاسی» به تفصیل بیان شده و مسئولیت و تعهد کشورهای عضو میثاق در راستای اقدام، ارتقا و حمایت از تحقق آنها مورد تصریح قرار گرفته است. کمیته در نظریه عمومی ۳۴ همچنین به تفصیل به شرایطی که حق آزادی بیان می‌تواند محدود شود مثل شرایطی که اجرای این حق در آن شرایط می‌تواند به نظم عمومی لطمه بزند و یا موجب نقض حقوق و اعتبار افراد دیگر شود می‌پردازد و یادآور می‌شود که ارتباط بین حق و محدودیت و بین هنجار و استثنا نبایستی جای خود را عوض کنند.

از بررسی دقیق مفاد نظریه‌های عمومی کمیته حقوق بشر به ویژه نظریه عمومی شماره ۳۴ چنین برمی‌آید که این نهاد معاهده‌ای که از آن به عنوان نهاد شبه قضایی نیز یاد می‌شود با تبیین نظرات و تفاسیر تخصصی خود نه تنها زمینه برداشت‌های سلیقه‌ای و تفاسیر دلخواهی کشورهای عضو از مفاد میثاق را مسدود نمود؛ بلکه با ارائه توضیحات و بیان مصادیق و شرح کامل اقداماتی که کشورهای عضو برای تحقق حقوق مندرج در میثاق ملزم و متعهد به انجام آنها هستند را مورد تصریح قرار داده است. بر این اساس، چنانچه کشورهای عضو در انجام تعهدات سه لایه خود «احترام به حقوق بشر Respect»، «حمایت از حقوق بشر Protect» و «اجرای حقوق بشر Fulfill» از طریق انجام فعل (Act of Commission) و ترک

فعل (Act of Omission) موجب نقض و تعدی به حقوق میثاقی گردند، واجد مسئولیت بین‌المللی می‌شوند و در صورتی که به پروتکل الحاقی میثاق - در خصوص شناسایی صلاحیت کمیته حقوق بشر جهت رسیدگی به دادخواست قربانیان نقض حقوق بشر پیوسته باشند - در مقابل کمیته مذکور به عنوان مرجع ذیصلاح رسیدگی کننده پاسخ‌گو بوده و بایستی وفق نظر کمیته نسبت به توقف نقض و تعدی و اتخاذ موازین جبرانی، پرداخت غرامت به قربانی، حصول اطمینان از جلوگیری از وقوع مجدد نقض، اقدام نماید. همان‌طور که ذکر شد، نهادهای معاهده‌ای (کمیته‌های ناظر) در ایجاد مفاهیم جدید، تعیین حوزه‌های مفهومی حقوق موردنظر، احصای رویه‌های اجرایی مؤثر، پاسخ‌گو نمودن کشورها در سطح بین‌المللی از طریق دریافت و بررسی گزارشات ادواری آنها و نیز ایجاد شاخص‌ها و مکانیزم‌های اجرایی و ارزیابی میزان پاسخ‌گویی کشورهای متعاقد برای رسیدگی به نقض‌های حقوق بشر نقش مؤثر و مهمی ایفا می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

الف) صدور نظریه‌های عمومی به ویژه نظریه‌های شماره ۳۱ و ۳۴ از سوی کمیته حقوق بشر، گام مؤثر دیگری در جهت عینی‌شدن و شفافیت بیشتر ماهیت، تنوع وظایف و دامنه تعهدات برخاسته از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی مترتب بر کشورهای متعاقد محسوب می‌شود که همان‌طور که تشریح شد نقض، تعدی و عدم اهتمام به تسهیل اجرا و تحقق آنها می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی کشورهای ناقض و پاسخگو بودن آنها به مراجع ذیصلاح دادرسی بشمول کمیته حقوق بشر سازمان ملل گردد.

ب) «نظم بین‌المللی» متضمن قوانین و سیستم حقوق بشر، یک تمامیت لایتجزاست. در این نظم اعمال حقوق شامل حق بر آزادی بیان بایستی به روش هماهنگ و معنی‌دار مرتبط با و در خدمت اهداف منشور سازمان ملل و مقاصد اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد.

ج) حقوق تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر مطلق نبوده و تابع برخی محدودیت‌ها که برای دفاع از امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت و روحیه عمومی و نیز حقوق و اعتبار و شهرت دیگران لازم می‌باشد، هستند.

د) ماهیت حقوق و آزادی‌ها توسط تعهدات کشورها برای احترام، حمایت و عملی کردن حقوق بشر، محدودیت‌های معرفی شده تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، وظایف و مسئولیت‌های افراد، گروه‌ها و کشورها، زیاده‌روی‌ها و مخاطرات جدی ناشی از سوءاستفاده از حقوق و سرشت و الزامات ذاتی نظم اجتماعی و بین‌المللی تعیین می‌گردد.

ه) محدودیت‌ها مادامی قانونی هستند که مجاز و مشروع بوده و در جامعه‌ای دموکراتیک (جامعه‌ای مبتنی بر رویکردهای متفاوت در قبال مردم‌سالاری در جهانی با تنوع فرهنگی) اعمال شوند.



## منابع و مأخذ

۱. صالحی، جواد (۱۳۸۸)، مقاله: مؤلفه‌های حقوق سیاسی در قوانین کیفری.
۲. عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، چاپ اول، انتشارات دادگستر.
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، آزادی، اندیشه و بیان.
۴. میل، جان استوارت (۱۳۶۳)، رساله ای درباره آزادی، ترجمه: احمد شیخ‌الاسلامی، مجموعه فلسفه و منطق.
۵. کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی  
International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination
۶. قطعنامه «مقابله با نابردباری، استریو تایپینگ منفی و ملکوک نمودن، تبعیض، تحریک به خشونت»، مجمع عمومی سازمان ملل.
۷. قطعنامه «خشونت علیه افراد مبتنی بر مذهب و عقیده»، شورای حقوق بشر سازمان ملل.  
8. Communication No. 1173/2003, Benhadj V. Algeria...  
9. Civil and Political Rights: The Human Rights Committee's Fact Sheet No. 15 (Rev. 1)
۱۰. نظریه‌های عمومی شماره‌های ۳۱ و ۳۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل.  
UN Human Rights Committee's General Comments No. 31 and No. 34.
۱۱. مصطفی اعلائی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، (ISJ)، شماره ۴۸.
12. Viena Declaration and Program & Action, Section (I) Para.5, 1993, Viena
13. La Distinction Entre Les Droits Civils e Politiques et Les Droits Economiques Sociaux et Culturels, 8 Hum, Rts, Y. 783.
14. The Global New Deal, William F. Felice, Rowman L. Publishers, New York, OXDORD, <http://www.U/HCHR,CH/TBS/Doc.NST>